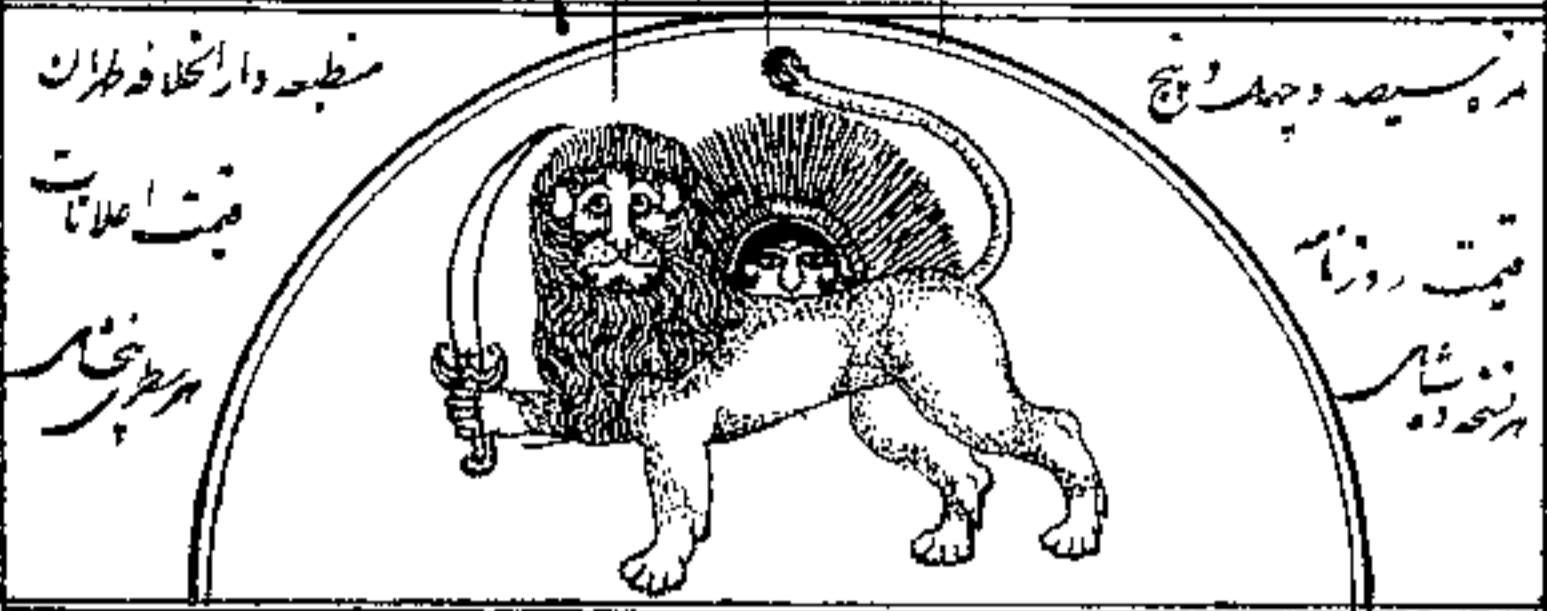


روزنامه و کالج اخبار و جبهه پویان چشمتی مسموم محرم مطابقت انبیا سال ۱۳۷۴



اخبار و احداثه مالک محروسه پادشاهی

اردوی هایون

اعلیحضرت اقدس پادشاهی خدای تعالی که سلطان کاکان در سباق بیادان سیرت و هوای شیران است این اوقات در کمال خوبی و اعتدال است انسانی دولت علیّه و مفران حضرت کردون بطلت سبته و سایر چاکران در باره هایون از خوین و ارباب تسلیم و عموم در صلوات سلام سلطان سلطانی حاضر شده و با انجام خدات و مهمات موجوده استخال دارند (چون بر حسب امر اولیای دولت علیه محرم مبارک حضرت امام ثامن علیه و علی ابی الف التحیه و استنار آینه کاری می نمایند از فرار که نوشته اند این اوقات دو معجزه در حریم مظهر بطور پیوسته یکی آنکه پنج انبی بوزن دو من تبریز از بالای قبه منوره از دست بتانی روده سرار بر می آمد همینکه در پایان رسید لوک پنج که در پایان بود برشته طرف دیگرش که تیر نبود بشانه رواری خورد هیچ آسبی باور رسید هرگاه همان طور که می آمد لوکش بشانه زوار میخورد و از شکش بیرون و دیگر یکی از بتانیان در بالای چوب بست کاری کردند از بالا افتادیم ذرع بسیر وانی صریح مظهر بود که در میان زمین و آسمان بیکر گشته ریشانی که برای او بختن قنادین بسته شده بود شد و سلامت پائین آمد خدام و زوارانش همه این معجزه صد بکبیر و صلوات بلند کردند (مقت انجاقان امیر احسن خان کارپرداز اول و مخصوص دولت علیه معین تغلب که بر حسب احضار اولیای دولت علیه برای سرکشی امورات خانگی خود موقتاً مدار اختلافه الباهر آمده بود حسن رفقت و اهتمام و صداقت و قاعده دانی عالیجاه مشارالیه در لوازم سرپرستی تبحر و

۲۲۷۹

علیه متوفیق اولاد انجام مهمات محوله بخود رعایت رسوم مودت حاصله مابین دولتمین توسط اولاد
 دولت معروض میگاهد رحمت دستگاه اقدس علیحضرت هایون شاهنشاهی دامت شوکتها
 و سزاوار شمول مراحم خاطر اقدس هایون کردید این روزها که حسب الامر الاقدس الاعلی عالیجاه
 شارالیه بجل ناموریت خود روانه است محض شمول الطاف طوکانه در حق او باعطای یک توبه
 ترمه کشمیری از صند و قحانه مبارکه برسم خلع عنایت طلعت سرفراز آمد (جناب جلالت و
 ایالت رضاب کنیاز الکندر باراتسکی که از جانب علیحضرت امیرالمورد دولت بهین
 بجانشینی مملکت قفقاز و سپهسالاری جنود قفقاز به نامور شد است نسبت روابط اتحاد
 و دوستی دولتمین ایران و روسیه مرتب انخافان میبوجان داد و دهان سیرت مترحیم اول
 علیه از جانب سنی الجوانب هایون سرکار علیحضرت اقدس شاهنشاهی دامت شوکتها نامور شد
 که بتعلیق از جانب معزی الیه رفته لازم تیرکیم را بعین آورد و یکقطه نشان شمال هایون مکمل
 بالاس از درجه اول با تحویل آبی که بایشان موافق فرمان هایون از جانب سنی الجوانب اقدس علی
 اعطاشده است ابلاغ نماید و دلایل تفصیلات طوکانه نسبت بایشان ظاهر سازد و از جانب
 جناب اشرف ارفع امجد صد اعظم انجم نیز حاصل مرسله مودت علامه نجاب معزی الیه میباشد
 و دران ضمن بیکر بس سواری خاص خودشان را که محض دوستی و یادکاری برای ایشان
 میفرستند برساند و علامت دوستی و دودار واضح و هویدا نماید سایر ولایات
 (افزایجان از قراریکه از تیرنو نوشته بودند بکنفر مکاری که از تیرنو بکمانت مان میرفت
 در نزدیکی باسچی با چند نفر سرباز تراغ میکند سربازان خورجین او را بر میدارند در همین تراغ وکیلان
 سواره فراسوران جنود ایشود مکاری میگوید باو کاش تصدعد امپریال در میان خورجین دیشتم
 سربازها برداشته اند وکیل باشی مزبور مکاری و سربازها را برداشته نزد مقرت انخافان میجوید
 میرنجه هر دو بعد از تحقیق مراتب مزبوره معلوم میشود که مکاری دروغ گفته و حرف آخر او این شد که
 آن وجه مال مزبور مقرت انخافان شارالیه تا جبر حاضر کرده غوررسی نموده تا جگر گفته بود که
 عد و امپریال از مال مزبور دولت عثمانی نزد این مکاری بوده مقرت انخافان میرنجه در منزل مکر
 و برهمام خارج بعد از تحقیق مراتب قرار میدهند دستک تا جبر صاحب پول را حاضر کرده پسند
 حاضر کردن دستک و ملاحظه کردن آن معلوم میشود که مسیحا امپریال پول بوده است نه دستک
 و بهمین آن مکاری هم مسیحا امپریال را پیش از خودش با قافله فرستاده بوده است بجهت

۲۲۸۰

کذب و افزای مکاری همچو استند اورا قبیله نمایند مکاری بگوید که وجه را تا جرید کور داده لیکن نمیدانم
در میان خورجین بوده است یا برادرم با قافله قبل ازین برده بعد تحقیق معلوم میشود که در میان خورجین که
سربازان برداشته بودند بجز همان چیزی نبوده است اگر چه سربازان مزبور را آنچه خلاف نظامی که از آنها
سرزده بود مقترب انخافان میرنجه مقابل اطاق نظام در حضور مؤتمن سلطان و وزیر نظام تبار یا رسته
تعبیه نظامی نمودن سسید امیر مال تاجر مزبور را هم از مکاری گرفته بصاحبش تسلیم کردند اما ازین طرف
افترا معلوم میشود اکثر اوها با بی نظور میخواستند اتفاق نماید در آذربایجان و طرف کرمانشاهان و سایر
جاء ادعای مال مسروقه می کنند و ازین قبیل ریاد اتفاق افتاده است اولیای دولت علی بنی بودند
اعتماد و باور نمایند ولی سبب ازینجه مردم متعرض شوند اصغمان از قراریکه در روزنامه
اصغمان نوشته اند خلعت مهر طلعت یون که از جانب سنی انجوان ملوکانه بافتی زوات است
شاهزاده و الایبار حمت الدوله حکمران اصغمان مصحوب عالیجاه میرزا آقای شیخ متحرمت شده
بود در جین و وصول بانجا نوات مغزی الیه باسران و صاحب مضبان نظام و سایر عساکر نصرت
فرجام و انالی داعیان مستوفیان آتولایت باستقبال شتافته لوازم توقیر و احترام خلعت ها را
بجمل آورده در باغ قوشخانه که در خارج شهر و محل خلعت پوشان است زیب برود و شش مفاخر
و مباحث نموده فرمان مهر لمان مبارک را که لبر افزای نوات مغزی الیه شرف صدور یافته بود
خطیب در مطار عام خوانده شرح مشورتهای یون را که مبنی بر اظهار مرحم ملوکانه در حق نوات مغزی الیه بود
گو شرد خاص عام نموده بعد از ادای مراسم نهیت و شکر گذاری و صرف شربت و شیرینی سپهر
نمودند (دیگر نوشته اند که نوات مغزی الیه در نظم ولایت دعرض و داد رعیت و وصول و ایصال
و انجام مهات دلیوانی مراقبت تمام بعمل می آورند و همه روزه یک ساعت از روز با لایحه تا دو ساعت
گذشته در عمارت چهل ستون نشسته بعبایض مردم و انجام مهات دلیوانی مهر دارند دستوفیا
و عمال و مباشرین حسب احکم نوات مغزی الیه بحاسبات و معاملات و داد و ستد دلیوانی
نمایند و سجد اللذکمال انیت و وادانی و ارزانی در انولایت حاصل در عایا و برابا اسوده خاطر و مرفه
بدعای اروپا و دولت و شوکت ابد اتصال استعمال دارند در باب بنائی و تعمیر عمارات دلیوانی صفها
خصوصا میدان چهار حوض و میدان نقش جهان که اظافهای محل ششمین سرباز و توسیحی انجام خرابی بهم
رسانده بود و سایر جاها که تعمیر لازم داشت حسب احکم نوات مغزی الیه بنا و عمل در کار و مشغول تعمیر و
بنائی میباشند

۲۲۸۱

گیلان از قرار یک در روزنامه رشت نوشته اند ضلع اقباب شعاع هایون شاهنشاهی
 که بافتی را امیر الامرا العظام عبدالملک و اعیان و اهالی گیلان رحمت شدند و با نجات
 وصول افکنده امیر الامرا العظام مشارالیه بالتفاق رسوا و اعیان و سنجار سنجار شهرت حاصل خلعت
 شتافت و در حین وصول خلعت هایون پیاده شده و لوازم استقبال و توقیر و احترام بعمل
 آورده خلعت مبارک رازب برودش مفاخرت و مباهات نموده و برین نیز مخلص مخلص شعاع
 شعاع گردیده و زمان هر لحان که مبنی بر آنها عواطف طوکانه در حق امیر الامرا العظام عبدالملک
 شرف صد در یافته بود خوانده و مضامین آن را گوشه اهل مجلس نموده بعد از آن ادای خطبه نام
 نامی سرکار اوس هایون و اختتام بدعای بقا و از یاد دولت و شوکت ابد مقرون کرد
 بعد از ادای مراسم تنبیت و صرف شربت و شیرینی بشهر راحت نمودند (دیگر نوشته است)
 که بهر موسم به بند که شلوک کاری زیاد از آب آدمی شد آبش مقطوع گردیده و علاوه بر آن
 در سوال و ذیقعه نیز بارندگی شد زراعت کاران ازین معنی زیاده در تشویش بود بدواره
 زراعت شدتک یوسس شده بود و امیر الامرا العظام عبدالملک دو تقریب فرانشخانه را
 با جمعی فرانش سجه ایلماری مانور نموده جمعت زیاد از بلوکات فرانس آورده بپوشن شده و
 و جاری نمودن آب بهر نور مشول شدند چون مجرای آب سفید رود اسال تغییر یافته از خط
 که پهل جریان داشت منحرف شده بود و بعضی زیاد و زخات بسیار شد آب را
 بهر نور جاری کردند و فرار و مزایع را سیراب نمودند و برین من از نقصانات الهی ازین مقام
 ذیقعه تا چهارم و پنجمه بارندگیهای زیاد شد بطوریکه از حبیب رود و خاناسیل جاری گردید
 تا چند روز راه عبور در مروت و قین بسته بود و از قرار تقریب بران معتر تا کنون اینطور بارندگی
 انولایش شده بود با سجد جمع مزایع و قرار کاملا مشرب و زراعت کاران از تشویش و
 غایب گردیدند (دیگر نوشته اند که غلام سبایی از حاجی سید باقر تاجر شتی یکصد تومان وجه نقد از
 حجیش را لیه سرفقت کرده بود مشارالیه پس از اطلاع مراتب را بعرض عمید الملک رسانید سجد نفر که
 سرفقت داشت بعضی را گرفته محبوس نمودند و بعضی از خوف بپشت رفتند و صاحب خواه هیچ کمان
 غلام خود نداشت بعد از آنکه داروغه و که فدایان حسب احکم در مقام حجی بر آمدند معلوم شد که غلام
 چند عدد اشرفی پیش مرانی قزوینی برده و پول سفید گرفته است صرفت و غلام را حاضر کردند بخجری تهدید
 غلام منور سرفقت خود اقرار نموده قدری از خواه را خرج کرده بود باقی که موجود بود گرفته بصاحبش تسلیم کردند

خراسان از قرار یک در روزنامه خراسان نوشته اند در مرزهای آباد ترشیر معنی بجاه
 قنات انجارقده بود که معنی غایب معنی در میان جاه دیده بود که طنبانی بگردن او بسته بود و تو مان پول
 نقد هم در کمر بسته دارد چند نفر را خبر کرده بهر غشش منور رفته رخت او را جستجو کرده هر علی صغری
 در میان رخت او بافتن کمان کرده بودند که پول زیادی داشته است او را کشته و پوش را برده
 با بچه غشش منور را برده و دفن کردند و قاتل او تا کنون معلوم نشده است (دیگر نوشته اند که در این
 اقدس شمساعت ارشاد رفته دکان زانی اشس گرفته کز نه و سایرین خبر دارند مشو
 کردن اشس شدند اگر چه زود خبر شدند و زود آتش را خاموش کردند ولی در بواب دکان دیگر
 سوخته بود و شمساعت طول کشید تا آتش را خاموش کردند و نگذاشتند بد کاکین دیگر آتش
 کردستان از قرار یک در روزنامه کردستان نوشته اند امور از ولایت احسن
 مقرب انخاقان امان الدخان والی قرین انتظام و انضباط است در نظم ولایت و حصول مروت
 رفاه و آسودگی رعیت و انجام خدمات دیوانی کمال اهتمام را بعمل می آورد و بجهت نهایت اوزا
 و فرادانی در آن ولایت حاصل و امانی بغیرت خاطر بدعا کونی ذات اشس طایون شاهشاهی خلد
 ملک و سلطان اشتغال دارند) (دیگر نوشته اند در این اوقات شمسعی از قافله همداینه در سرحد
 و کردستان رقیب زده پنجاه شصت و سیل ناری آنها را برده و یک نفر هم از امانی قریه قراغاج کرد
 که همراه قافله بود مقتول کرده بودند صاحبان مال نیز مقترب انخاقان والی آمده مذکور داشته اند
 و زده های ما از امانی سقرنی باشند چند روز از آنها مهلت خواست که تحقیق نماید اگر این سقرنی کتب این
 عمل شده باشند از آنها استرداد نماید بعد آدم و ستاده معلوم شد که ترکیب این کلهر جاف
 بوده اند و اموال مسروقه را بیان ایل جاف برده اند مقترب انخاقان مشارالیه نیز دستگیر
 دستاده مطالبه اموال مسروقه و دست مقتول نمود بزرگ ایل منور معتمدی دستاده و جواب
 بود که این عمل از دست قاور بیک اتفاق افتاده حصول اکافی محمد و پس نام سر دسته آنها
 گرفته و الان مجبور است صاحبان مال بیایند تا مال آنها تسلیم شود مقترب انخاقان صاحبان
 مال را با رسم سلطان نامی که ارجانیه مباشر کرده پس سجده مقتول منور آمده بود مصحوب دستاده
 سر ایل جاف نموده آدمی هم از خود بر آنها کاشت که رفته مال همه آنها را تمام و کمال گرفته با تسلیم
 نماید و امر مقتول را نیز بقصاص بادیست برضای و در مقتول موافق حکم شرع مطاع بگذرانند و بر ایل منور بیرون
 که ترکیب این بتیبه بر نموده قرار می دهند که این نوشته شود که کسی نتواند ترکیب بکند بیگانه نشود

۲۲۸۳

احبار دول خارجه

در مدت چهل سال قبل ازین که ناپلیان بزرگ بجزیره سندن فرستاده اشخاصی که همراه ناپلیان قیود و خدمت او را اختیار کرده بودند قبل از فوت خود بعضی اموالک و وجوه نقد و وصیت کرده بودند با نخبه های نامکون این دولت مجری شده است در این اوقات اعلیحضرت امپراطور فرانس در ضمن اجرائی و صایای ناپلیان بزرگ درین خصوص مخصوصا موسیوی نیگل داده و فرار گذاشته اند بان شخص هر کدام در حیات مستند موافق وصیت نامند ناپلیان از اموالک و نفوذ معروفه خود آنها بدینند و هر کدام مرده اند در جمیع آنها مجری بداند (درین اوقات در پاریس شخصی با سلسله سینه چرخه رواج متاع خودش در بر صدانه با سلسله یکدانه لیرای فرانسه که تخمینا بیست و دو هزار دینار پول ایران باشد میان یک با سلسله گذاشته و شترها اعلان کرده بودند و موخر از آن مدقمانوده خلق زیاد بجهت خریدن باقی از دحام کرده اند بطوریکه مشارالیه در در دکان خود فرارول گذاشته و منافع کلی ازین عمل حاصل کرده است) (نامکون در ضمن ادخال هر چیزی بجهت سهولت رفتن گستان جنسی جزایا احداث شده است از جمله بجهت سهولت امر زراعت مقدما سبانی مثل چرخ بخار بجهت شمار کردن زمین احداث کرده بودند ولی بوجه مطلوب مجری نشد است در این اوقات اعلیحضرت امپراطور فرانس اصحاب این کار را همه پاریس دعوت کرده و فرار داده اند که هر کدام از ان اشخاص که این کار را سهلتر و آسانتر میدانند از با و از جانب دولت اختیار مخصوص داده شود) (درین سال ایالت سنو به جمهوری روسی دینا بیست و میان ریال که فریب بر پنج کرو و تومان پول ایران باشد از سالهای دیگر زیاد تر آید است در مجلس مشورت درین باب گفتگو کرده اند که این وجه را بچه مصرف باید کرد بعضی در مقابل این تخفیف رسالت کم کرد این را دیدند و بعضی صرف این فاضل را ارسال در ترنید راههای آهن و کشتیها مناسب دیده اند) (در یونانستان در جزیره سننورین در شط و لقانه نام آبی که است حکم و تاثیرش این است که هر کسی که داخل آب میشود آلات او کشتی که در زیر آب است پاک گشته و در یک میکرد در ضمن تحقیق این کیفیت بجهت خطراتی که از این دولت خارجه یونان ظاهر شده بود چند وقت پیش ازین یکی از کشتیهای فرانس ببط منزلت فرقه بعد از ساعت از راه رود کشتی منزلت را با نجا آلات زیر کشتی گم گسیاه شده و موخر احوال سهولت رفع گردیده بود در این اثنا کشتیها چکی فرانس و انگلیس که در پیشگاه آینه پای تخت یونان بودند ببط منزلت ارسال شدند و کل کشتیها به ناطق وزیر رسان سیاه شده بود و در باب اینکه از چه سبب بزرگ کشتیها سیاه باشد بواسطه بعضی آلات داد و اتیه بزرگ وقت کرده و رسیدگی نمودند معلوم شد که آبهای مسرخ در آن زیر جریان دارد و بعضی مشبها در اینجا مشاهد کرده بودند

۲۲۸۲

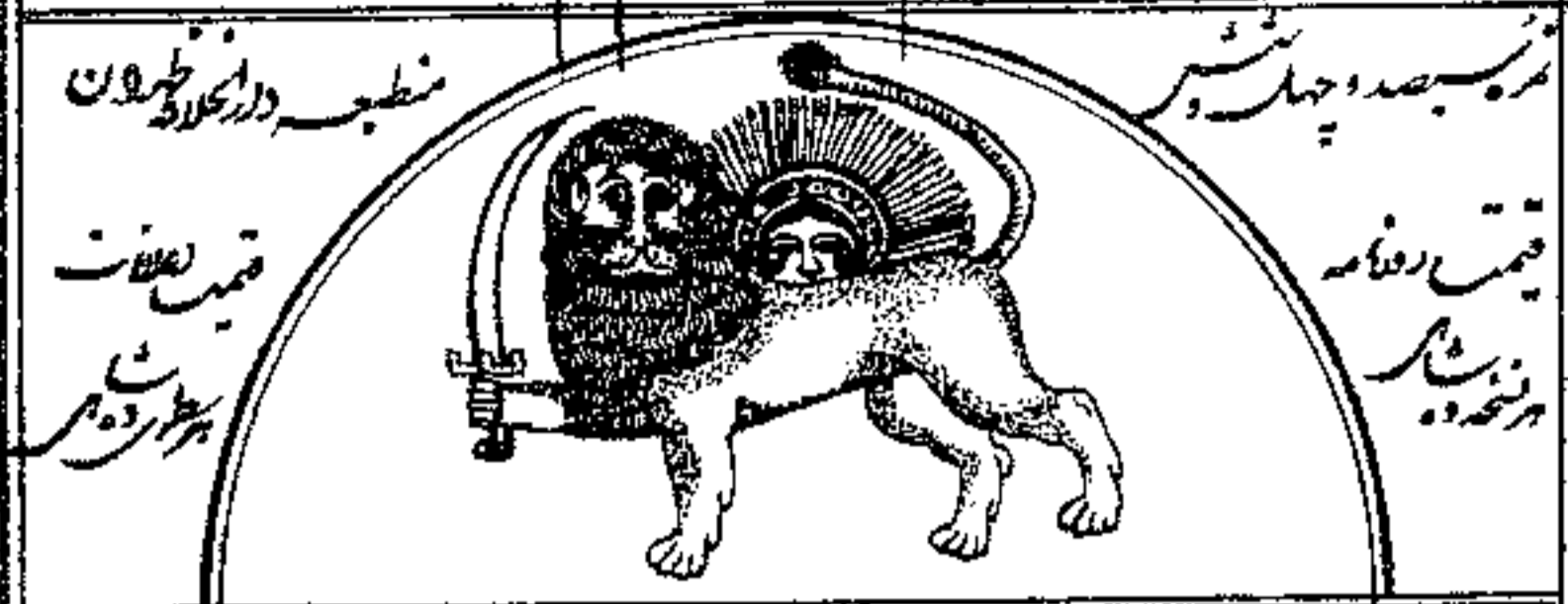
از قرائت نوشته اند درین اوقات بجهت اختلافی که در سمت بنکاله و بعضی جاهای دیگر هندوستان
 بهم رسیده است فرمانفرمای هندوستان امکان یافت و مگر بنجاه در گذشته این گذارش بجانب
 دولت انگلیس عرض بیان شد در حال دولت شارالجزال کبیر را که در اوقات محاسبات دولتی
 از جانب وکیل بریتیه دولت انگلیس سر قوماندان قشون آند دولت در فرم بود احضار و تقایم مقامی هندو
 انتخاب نمودند و استفسار کردند که چند روز می تواند از لندن حرکت کند گفته بود که همین است
 و هیچ حالت معطلی ندارم لهذا اورا تقایم مقامی هندوستان منصوب و دعوت دیگر از لندن حرکت کرد
 از طریق مصر و اسکندریه روانه مقصد کردید (دیگر نوشته اند که قشون انگلیس که در هند با قضا
 قوانین موضوعه مدت میته آنها ختام پذیر شده معارف این اختلافات حاضر هند معاهدات
 با انگلیس تصیم یافته اند بجای آنها چهارده هزار قشون که چهار هزار آنها در معیت قوماندانند باشند
 از لندن هندوستان مأمور روانه شدند و همچنین دو فرقه قشون انگلیس که هر یک شش هفت هزار بودند
 مقدما از انگلیس بچین مأمور روانه شده بودند بجهت لزوم قشون در احوال حاضر هند یکی از آن دو قشون
 ازین راه سبب هندوستان برگردانده اند چون بجهت مراجعت دادن بعضی قشون مأمورین را
 هندوستان قشون مأمورین خبری می شد و محاربه با ولایت چین بر وجه دلخواه صورت پذیرفت
 از جانب دولت انگلیس حکم توقیف محاربه چین گردیده و مقرر شده است که قشون انگلیس کاشان
 یا هر جای آن جواری که به سبب گرفته باشند علی الحساب در همانجا توقف کرده امر محاربه چین را
 تا رفع اختلافات هندوستان موقوف دارند) (دیگر نوشته اند که بقدر مقصد و بنجاه نفر از
 صاحبان قشون انگلیس که در هند بودند و قبل از حدوث انقشاش هند به کشتی عمال خود بلیت
 رفته بودند درین اوقات معاودتشان سرعاً هندوستان از جانب دولت انگلیس حکم شده
 (دیگر نوشته اند که اعلیحضرت قرال دولت بروکس عنایت ملاقات اعلیحضرت امپراطور
 استریه را نموده چند وقت پیش ازین از برلین بای تخت دولت خود حرکت کرده بودند در این اوقات
 بونیه پای تخت دولت استریه وارد شده اند و بجهت عنایت قرال پروسیا بونیه از جانب دولت بروکس
 غوغای قیوت وکیل امور خارجه دولت مزبور با مأموریت خفیه بونیه عنایت و قبل از ورود قرال
 بروکس با بنجاه وارد شده بود) (در سال قبل ازین امالی شهر آتنه پای تخت یونان و سکنه لکرگاه
 آنجا را سر شماری کرده بودند سی و هفت هزار نفر و کورائانا تا بقلم آمده بود در این اوقات که مجدداً
 سر شماری کرده اند جمعیت آنجا بنجاه هزار و سیصد است

۲۲۸۵

شخصی بود فاری نام از امانی شهر سوین که از ولایات اسپانیول است در ضمن اظهار بارش در این وقت
 از کسانی که از سلاطین اسپانیول خارج شده اند جمعی را در عقبه با خود متفق کرده و بجهت اینکه اراده
 بر روزگند تا اسباب کار فراهم سپارد همگی آنها را قسم داده در پانزدهم ماه ذی قعدة بیاعتنائی
 تا شهر سخت عسافت داشت جمع شدند را لیه اسلحه و مهمات و در جهت با آنها داده و تحت حکم خود
 بشهر او نزدیک آمدند که نزدیکی آنجا بود و غایت نمودند از امانی آنجا و محبوبین جمعی دیگر با خود متفق کرده
 قایم مقام آنجا و همراست دیوانی را کلاً آتش زده و اموال دیوانی را غصب غارت نمودند آنچه
 و عیبه در آنجا یافت میشد برای سواری خودشان گرفته چند هزار کس مرتب و برق مخصوصی برای
 کشود رفیع لوای عصیان نمودند و در آن جوار با یکدیگر قرار و قبضات را بغنا غارت کردند و بجهت سحر یک
 سایر عساکر اسپانیول بعضی اوراق بولایات آتش کردند دولت اسپانیول بعد از وقوع بر این حادثه
 فی الحال قشونی از سوار سپاه فرستاد و بموجب روزنامه دیگر که نوشته اند قشون
 در محل سپهر نام بیاعیان مقابل شده در بنفد هم ذی قعدة و بیابان خینی محاربه اتفاق افتاده آخر
 بیاعیان مغلوب شده راه فرار پیش گرفتند اموری آنها را تعاقب کرده ولی هر رستو نیستند بکنز
 دستگیر کرده بشهر سوین فرستادند و در آنجا حسب حکم دولت همه را در کف کلان لغت نمودند
 اسپانیول بجهت کشف و تحقیق این باب که از که ام طرف شده باشد در پای سخت مرد و جوانی
 داده و نیز بکین حربه حکم شده است که سرانجامه هزار قشون در زیر سلاح حرب حاضر و مهیا باشند
 (از ضعف و اتنی که در ایالتها ظهور کرده بود در این اوقات در ایالت قلابریاکه وزیر حکومت دولت
 ناپولی است و بعضی مجال اراختلال ظهور کرده دولت ایتالیا قشونی به فتح عساکرین فرستاده از فرار یک خبر
 ایالت اختلال با سر کرده آنها نیز اقون نام کلاً دستگیر شده قلع بند کرد و بدست سایر عساکرین آنوقت نیز از
 این گذارشن متفرق شدند) (سبب این ذات ایتالیا از فرار یک نوشته اند فرنی نام بود است که در ایام
 جمهوری روم رئیس جمهور بود بعد از برسم خوردن اوضاع جمهوری بدن رفته در این اوقات مخفی برود آمدند
 ایتالیا را سحر یک کرده دولت خواست او را بگریز فرار کرده بدین ترتیب شخصی است بزرگ عساکرین
 عساکرین است و چند وقت یک فعه در ملکی ظاهر میشود و فتادی بر پامی کند وقتی که در صد و گزین او بری
 فراری کند در تدویر فتاد و تغییر بیات و چاکی در فرار مهارت تام دارد بلکه در شیوه خود عدیل
 ندارد و چنانچه تا کنون بگراش به تبدیل لباس و تغییر قبا و برود و ایتالیا و سایر جاها رفته و رفتن
 محوده و هر چه خواست از او بگیرند غلن نشده است

۲۲۸۹

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ پنجشنبه ۱۲۷۴ مطابق سیلان میل



اخبار واحسانه محرم و شاهای

اردوی مایون

روز سه شنبه پنجم ماه محرم الحرام که بقاعده معموله ایام مفته عقد سلام عام در پیکاه اهد سن مایون
 اعلیحضرت شاهای خلد الله ملکه و سلطانه سته شده و هر یک از شاهزادگان عظام و امرا و اعیان
 و وجوه خدم در مقام مخصوص خود ایستاده بودند فرمایشاتی که مناسب حال و دلیل کمال حسن و تقاضای
 نسبت بهای اهل ملک اسپاسی در رعیت بود بلفظ دربار مبارک جاری بنمودند و از جمله فرما
 مدها که در آن روز که شرف اهل اسلام شدن بود که دول دوست معتمد در عهد سباب مودت با
 فراهم دستن احترامات و عهد بانها نسبت بسفر و امورین ما بهیچ وجه فرود که از کرده اند سفیری از
 که هر یک از ممالک دول محتایه نامور شده و پیشو چنانکه و رجز دوستی است از آنها احترام و اکرام
 عینا بینه مجالس جهانی و صیافت برای ایشان فراهم می آورنده و نیز بسیار خستود هستیم که در خاک دولت
 نیز نسبت بسفرای دول دوست و معتمد که در حقیقت همان و وارد این ملک هستند لوازم محبت و مودت
 بعمل آید با این احوال چنان بعضی ما رسید که ارجحی مذکور شده است که کویا معاشرت جا کران حضرت
 با سفارت دولت انگلیس که امروز دوست خیر خواه دولت علیه است خلاف دلخواه اولیای دولت
 است بسیار عزیز و عجیب است که چنین اسناوی شهرت بدهند با وجود انعقاد عهد دوستی
 ما بین دولتین ایران و انگلیس و کمال میل خاطر ما بر از و یاد و استقرار این مودت چگونه میشود که بجز
 صدق داشته باشد معاشرت با دوستی اهل ایران که ما بعین داریم بالطبع و تکامه طلبت و این با
 بستند و بالطبع ما به برودت ما بین دولتین هم سعایت آنها شد اگر محض حفظ دوستی دولتین بر
 عرصه است

۲۲۸۷

منظور و اصول اولیای دولت باشد لازم کرده است چاکران دربار کردند و قار و رعایای
علیه مآثم و شده دوستی و مهربانی با آن سفارت نمایند و یا میل و رفت خاطرهایون مانت بخت
جلالت آن چارلس مورد و برنخار انگلیس و بر صاحب مضمان سفارت از امانی انگلیس کمال
نیاست و نیز از جمله الفاظ در برابر ملوکانه بود که از استماع ظهور مقدمات برودت مابین دول دوست
همه جدا و کیفیت اقتادین بید فهای سفارتی آنها در سلامبول کمال نائفت داشتیم و از اینکه مبادا احد
باز منجر بسبب دما و بندگان خدا شود و دلگیر بودیم ولی بعد از آنکه شنیدیم غانده مابین دول مرتفع شد
و دوستی بحالت خود عود کرد نهایت خوشوقتی را حاصل فرمودیم و امید داریم که من بعد این دوستی
مابین آنها و دولت ما و امنیت بندگان خدا و رواج تجارت ممالک و امنی و ابدی باشد (چون تذکره
مرور بمترددین تمام ممالک داخله و سنجارج از ممالک محروسه در بعضی از ولایات مقدمات داده
و بعد تذکره بمترددین داخله ممالک حسب الامرا و لیای دولت علیه موقوف و تذکره دادن منجر
کردید که مترددین ولایات خارج را در سرحدات تذکره میدهند نظر باینکه بعضی از توکرهای دولت
که سخاوت دیوان در نزد آنهاست و یا محاسبه که با دیوان دارند پذیرداخته بدون اذن و رضت اولیا
دولت علیه و بخیبر عزم زیارت عیبات عالیات از دارالخلافه بیرون رفته و در کثایان تذکره
مرور میگیرند لهذا درین روزنامه حسب الامرا و لیای دولت علیه اشعار و اعلان میگردد که هر کس از توکرهای
دیوانی خواه محاسبه دیوانی داشته باشند یا نداشته باشند و عزیمت زیارت عیبات عالیات
نمایند یا بایده زجناب اشرف امجد محمد صمد اعظم تعلیفه اذن و اجازت بگیرند و همان تعلیفه را در
کرمانشاهان نشان داده در طبق آن تذکره گرفته باشند یا در دارالخلافه موافق قاعده و قانون
مقرره تذکره از برای خود گرفته عازم زیارت شوند میباشند تذکره کرمانشاهان اذن ندارد بکسی
تعلیفه مرخصی در دست ندارند یا تذکره از دارالخلافه گرفته اند تذکره در کثایان بدهد باید اینگونه
اشخاص را که توکر دیوان هستند و تعلیفه یا تذکره دارالخلافه را ندارند بحاکم کرمانشاهان اظهار نماید
که حاکم آنها را بر گردانده روانه دارالخلافه نماید و اگر از سایر ممالک محروسه سواى دارالخلافه از توکرهای
دیوانی عزم بیرون رفتن میکنند میباشند تذکره آن سرحد باید ضامن محسب از آنها گرفته تذکره مرور
بدین (طایفه که ترکمان که بشرارت و هرزگی و قطاع الطریق معروف و مسواره مشغول نیست و عازم
بودند سال گذشته مقرب الخاقان جعفر قلجیان ایلیخان بیگلر سکی استر اباد آنها را کوشمال داده
کرده بود پس از آنکه مقرب الخاقان مشارالیه بدر بارها یون احضار کردید و مدتی در کاتبان

۲۲۸۸

بود خایفه ضلالت طایفه یاغی از نغاد دست مغرب انجاقان را لیه تفر حکومت خود شش ماوس شده دوباره از در
 هرزگی و بقام تلافی خدمات ایام گذشته که از انجاقانی بپان رسیده بود در آمده آق محمد سردار ^{نشان}
 چهارده زنهار از درویشی آن طایفه دستارده و آنها را از غیب و تحریص بقتله و فساد و زرقن بسین
 بجنورد کرده زیاده از چهار سزار تفر جمعیت کرده بسین بجنورد رفتند از قرار که خبر اجمالی بعرض اولیای
 دولت علیه رسید عالیجاه سجاد نقلی خان نایب الحکومه و برادر مغرب انجاقان ^{نجان} بعد از آنکه از حرکت مردم
 طایفه ترکمانیه خبر وار شد جمعیت قلیلی که حاضر داشت سبید و پنجاه سواره و یکصد نفر سنجاقی بودند
 بمقابل ترکمانیه پرداخت پس از تلافی فریقین و وقوع مجادله و محاربه فیما بین ترکمانیه سنگت حوزده راه
 پیش گرفتند عالیجاه سجاد نقلی خان آنها را تعاقب کرده یکصد و پنجاه سواره یکصد اسیر از آنها زنده کرده
 اسب و سیاه زیادتی بدست آورده مرحت نمودند (عالیجاه مغرب انجاقان نیز میرزا عبدالقادر
 طبری نشی خاصه دیوان عالی که سالها در خدمت اشجری و زوین و ارقام و مناشیر و ام مشول بوس تقیر و لطف
 موصوف است چند وقت قبل کتاب شرح قاموس فارسی بتفصیلی که در روزنامه آن اوقات ^{نشان} تالیف ترتیب
 در این اوقات کتاب به نور صورت تمام یافته بدینسان شرح الوز که تبرکت و فتنی احوال و در عالم از آدم تا این ایام ^{نشان} موقع
 و موسوم بآثار الوز است خدمت خیار اشرف امجد ارفع فخرم صدر عظم برده در خدمت جناب معظّم آیه زاید الوصف
 قبول و استجابت از خاصه خود بکلماته شال کشیری باو حمت نمودند و مرتب استعداده و مستعداری او را معروض ^{نشان} نگاه
 ملاحظه داشته با دو جلد کتاب شرح قاموس مخصوص بکلیس حضور بهر التوبه و تفسیر خاکبای مبارک کرده و کتاب
 بنظر ماهر اثر جان بزرگترین و توصیف فرموده و بکتاب جنبه ترمز در حق مشارالیه خلف رحمت کرده بدین حکم شایسته

نفاذ یافت که کتاب آثار الوز را نیز زود تمام نماید **دارالخلافه طهران**

کمال انتظام و امانیت و وفور هر گونه نعمت در دارالخلافه طهران حاصل است نواب کامیاب
 شاهزاده و الاثبات محمد تقی میرزا حکمران دارالخلافه طهران و توابع در دست حکمرانی و سایر
 کارگذاران و چاکران دیوانی مقیم دارالخلافه در سر خدمات مرجوعات محوله بجنود و نظم و لایق
 امور سپاهی و رعیت کمال مراقبت را بعمل می آورند امر محکّات بانهاست نظم و و اول و کرم ^{نشان} طلب
 حفظ و حراست اند سرفقت و خلاف حساب از کسی ظاهر نمی شود و اگر احیانا بندرت مرتقی
 اتفاق بیفتد با تمام عالیجاهان کلا ترو که خدا بان سارق و دستگیر و در مقام تنبیه و سیاست
 در آمده نیز ای خود میرسد و اموال مسروقه بصاحبش تسلیم شود هوای شهر نیز در عین خوبی و اعتدالت
 اگر چه باقتضای فضل و وفور ميوجات ناخوشی تب و لرزه در میان مردم هست ولی ملک نیست اغلب

۲۲۸۹

بدو ای جزئی بلکه باساک و پر نیز از بعضی مویجات رفع می شود سایر ولایات
 (اصفهان از قرار یک در روز نامه اصفهان نوشته اند امور آن ولایت از حسن مراقبت
 نواب مستطاب نهاده و الا بتا حثت الدوله حکمران اصفهان در نهایت انتظام است و با امور
 ولایت و عرض و داد رعیت خود بخت و وقت و رسیدگی می نمایند معرفت انخاقان میرزا محمد
 مستوفی پیکار اصفهان و سایر ستوفیان حسب حکم نواب معزی الیه همه روزه در دفتر نشسته
 با انجام خدمات و مهمات دیوانی بپردازند و بحسابات و معاملات عمال و مباحثین و داد و
 انکح و وصول و ابصال مالیات دیوانی رسیدگی می نمایند) (دیگر نوشته اند که نواب حثت الدوله
 بعزم زیارت بقعه قبر که شاه رضا علیه السلام و سرکشی بجالین قشبه و سیرم با بخار فقه چند روز
 توقف داشتند در قریه دقان که یکی از دعات سیرم است خبر رسیده بود که چند نفر سواران
 الوار بختیاری بر سر راه فارس و یزد در قله اموال زیاد از عابرین و تجارت سیرت برده اند
 سیرم عبور مینمایند نواب معزی الیه بعضی استماع پانزده سواران اصفهانی که همراه بود
 بگرفتن سارقین روانه نموده غلامان بعد از طی شش ممت فرسخ مسافت بدزدان رسیده
 عروب بود جنگ در پیوستند بعد یک عمت مجادله نموده دزدان تاب مقاومت نیاوردند
 سر و قد را بجا گذاشته خود را به لای کوی که در اینجا بود کشیده در تاریکی شب فراری و متواری
 شدند اموال سر و قد باب رس اسب دزدان بدست غلامان منور افتاده خدمت نواب شاه
 آوردند نواب معزی الیه اسپهبد را بجزد غلامان بخشیده اموال را در ها بجا سپردند و معترف
 که بجا جان اموال که آمدند تسلیم نمایند و بعد از فراغت از امور آن محال نواب معزی الیه با اصفهان
 معاودت نمودند و عالیجاه میرزا محمد خان نعلک دار باشی خود را با بسی نفر سوار بجهت نظم طرق و سیر
 راه فارس روانه نمودند و هم چنین عالیجاه حسنعلی خان یوزباشی که با یکصد و پنجاه نفر سواره ابوابی
 از دربار عدالت مدار جایون مأمور توقف اصفهان بود و او آنجا گردیده پنجاه نفر از سواره
 نیز مأمور محافظت طرق و شوارع نموده بمحل مأموریت و قراول خانها رفتند) (عالیجاه ابوالفتح خان
 سرمنکب فوج سربندی با فوج ابوالجمعی خود همه روزه از سه عمت از روز با لایحه در میدان نقش جهان
 اصفهان مشغول مشق میباشند و عالیجاه مشا را لیه نهایت اهتمام در مشق و انتظام امر آنها دارد قراول
 خانهای شهر محول بفرج منور است و در حفظ و حراست شهر کمال مراقبت را دارند و مالیات ولایات
 رضامندی از حسن سلوک و رفتار آنها دارند

۲۲۹۰

اخبار دول خارج

از قرآنکه در روزنامه جریده اخبار است اسلامبول مورخه بناج بیستم ذیحجه نوشته اند در وقوع این
 عمومی از نامورین دول معلومه در پاریس مجلس قونسلر عقد و شکل یافته بود که باقتضای تنظیم
 عمومی از طرف دولت عثمانیه سجه ملکین افلاق و بعد ان حق نظاماتی که احداث و اجراء شود قرار
 شد که در ضمن مذاکره دایره تعلیمات مجلسی شکل یابد و درین مجالس برای و اتحاد عموم امانی نصب
 اعضا و اجراء مقرر گردد و درین خصوص و بجزایب عمومی در ضمن حسن اجراء اسانقا از جانب دولت عثمانیه
 منتهی معلومه نامورین ملکین منور تعیین شدند و موافق دلخواه امانی آنجا در بعد ان مجلسی منعقد گردیده از
 امانی آنجا در باب آزادی ملکین که در عهد نام معتز شده بود استخراج گردید امانی ملکین مسئله آزادی را
 کرده تبعیت دولت عثمانیه را کافی است باقی اختیار کرد و در این مطلب از جانب دولت عثمانیه بدو
 انگلیس و آستریه اظهار شده دولتین منور نیز تصدیق کردند که در صورتیکه امانی ملکین قبول آزادی کردند
 باید کماکان در تحت حکومت دولت عثمانیه باشند بعد ذلک این گزارش سفیرای دول فرانسه
 روس و پروس و آریه مقیم اسلامبول اظهار شده آنها باقتضای بعضی اسباب پشتیبانی
 معنویه بیاره عذر قبول و تصدیق کرده در ثانی اجرای عهدنامه اول را بر حسب ماؤویت از دول
 خودشان بطرف دولت عثمانیه تبلیغات نمودند و کلای دولت عثمانیه مجالس عقد و شکل داده
 درین باب مذاکرات و مابل نموده چون دولتین انگلیس و آستریه تصدیق کردند شش افلاق و بعد
 نموده بودند دیگر جای حرف نبود لذا بر حسب اراده اعلیحضرت سلطان از جانب وزیر دول خارج
 دولت عثمانیه باذکره رسیده سفیرای منور جواب داده شده تکلیفات آنها قبول دولت عثمانیه
 کردند آنها نیز بطرف دولت عثمانیه پروتست نموده بر حسب اذن از دولتهای خودشان روز
 چهارشنبه چهاردهم شهر ذیحجه سفیرای فرانسه و پروس و سایر دینه بیرفهای خود را خوا بانه
 قطع مخابره با دولت عثمانیه نمودند و روز شنبه سفیر دولت روس نیز بفرق خود را خوا بانه
 با سفیرای منور موافقت نمود (دیگر نوشته اند که کشتیهای حربیه و تجارته دولتین انگلیس و
 فرانسه و سایر دول و کستان که سمت هندوستان و آن اطراف میروند حسب الموضع از سوا
 امتی که گشته و قطع فرقی که دشمن نموده بصعبت و مشقت بسیار در عرض سه چهار ماه
 بمقصد میسرند و درین صورت باقتضای پولیتیک دولت و تجارت تاخیر در وصول مقصد وقوع
 می یابد سجه تسهیل و تقریب یافت دو سال قبل ازین دولت فرانسه که از سحر اسکندریه برآه سویس

۲۲۹۱

سجده نهدی بکنند که گشتی از بحر احرار با سکنه برود نماید آنوقت رفتن سفایق دولتی و تجاری
 و نکتان نسبت بندوستان بسیار نزدیک و آن میشود در باب لوازم اسباب این کار
 از جانب دولت فرانسه قبول شود خواهش که در اسکندریه بود حکم شده و معرفت مشا را به
 خدی قبل قومپانیه در پاریس ترتیب دادند و مقرر بود که خلی اشخاص از انگلیس و فرانسه
 خود را در قومپانیه مقرر نوشته و در حضر نهر مزبور شرکت نمایند در این اوقات که خواستند
 نهر مزبور شروع نمایند در مجلس پارلمنت انگلیس شخصی از اعضای مجلس خطاب با نجاب لارده پارلمنت
 دولت مزبور گفتگو کرده است که در کردن این نهر صرفه و تنوع دولت انگلیس خواهد بود حال دولت
 انگلیس بندوستان از هر دولتی نزدیکتر است و باین جهت با آنجا رابطه تجارت و مناسبت
 بیشتر است بعد از آنکه این نهر از بحر اسکندریه بحر الاحمر کند شود آنوقت راه انگلیس بندوستان
 شرقی از اغلب دول فرنگی دورتر میشود و گذشته از آن بجهت زیادتی حاصل مصر و اسکندریه
 که آنوقت سایر دول در آنجا مداخله و مکن یافته آنولایت از تصرف دولت عثمانیه بیرون برود
 درین حال دولت انگلیس هیچوجه به پولتیه حاضر خود دست نخواهد یافت سر و کین نیز نقدی
 این ایراد را نموده از جانب دولت انگلیس جواب با لها مخالفت در حضر نهر مزبور داده شده است
 (عزمت علیحضرت امپراطور فرانسه بجهت مذاکره بعضی مواد مهمه بلندن در روز دهم ماه دسامبر
 بود مبنی بر بعضی اسباب تاخیری در عزمت افتاده بواسطه تعارف خبر عزمت ایشان در ۱۳ دسامبر
 رسیده بود) (اعلیحضرت امپراطور روس که باز توجه خودشان بجهت مداو اجتماعهای معدنی که
 از آب گرم باشد رفته بودند موجب روزنامه که بعد رسید بجهت ملاقات با اعلیحضرت قزاق دولت
 پروسیه از آب گرم نسبت برلین پایتخت دولت پروسیه حرکت کرده اند) (سفایق حریم
 دولت انگلیس که در پیشگاه جزیره ساردینیا کراقامت انداخته بودند بجهت اسباب معلومه از آنجا
 حرکت کرده گشتی سازخانه طولون رفته اند و سفیر دولت انگلیس تقیم پاریس نیز بجهت ملاقات امیرال
 لائیر فرماندهان کشتیهای مزبور از پاریس نسبت طولون حرکت کرده است) (بجهت تاخیر در
 و موالات اعلیحضرت امپراطور فرانسه ماموری مخصوصا به بطرز بویغ فرستاده اند که نشان
 امپراطور روس را ترسیم نموده پاریس بیاورد که در دایره امپراطوری خود نصب نمایند) (از
 از معتمدین ایتالیا که در لندن اقامت داشتند سه نفر بقصد اعلیحضرت امپراطور فرانسه پاریس
 آمده بودند معرفت پاریس دستگیر شده در ضمن تحقیق معلوم شده بود که طبعیت نفر از این اشخاص در
 با هم همشور رسم قسم شده بودند که پاریس آمده اعلیحضرت امپراطور فرانسه را بکشند آن سه نفر اگر
 جنس کردند

۲۲۹۲

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم شهریور ماه ۱۲۷۴

در یکصد و چهار وقت

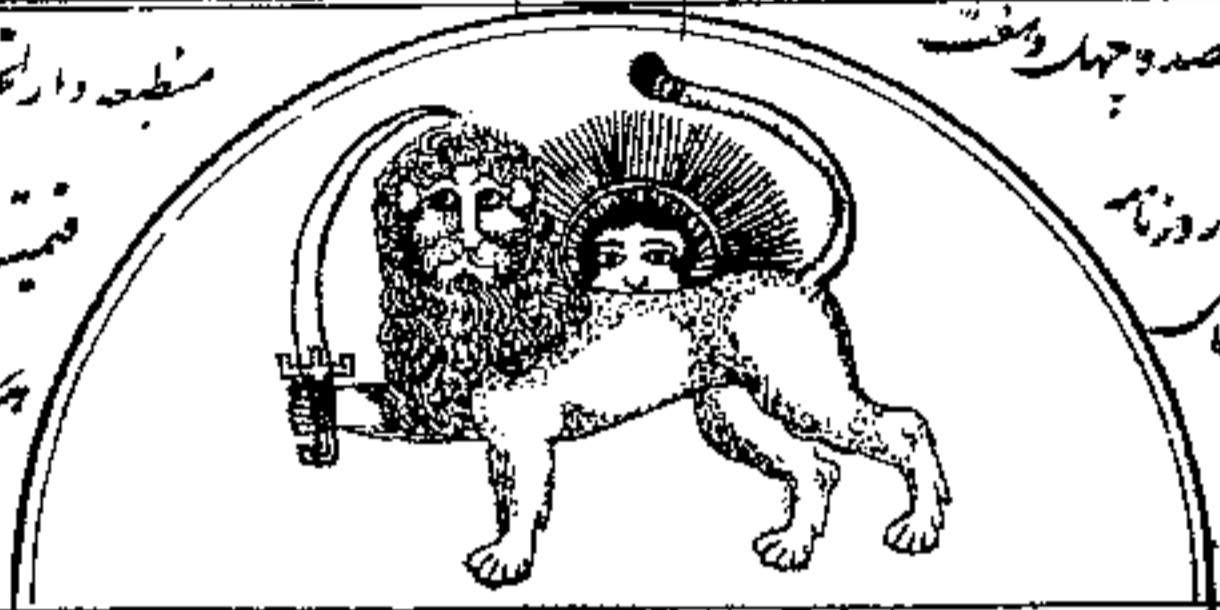
منطقه دارنگاه و طهران

قیمت اعلام است

هر طرزد

قیمت روزنامه

هر نسخه



احبار و ائمه مالک محروسه پادشاهی

اردوی جالیون

چون فوج خلیج حبشی عالیجاه جانمیر خان سرهنگ در اوقات ناموریت عربستان با سرهنگ
 تخریک بعضی از مقیدین سوشس نموده بودند و بدون اذن و اجازت اولیای دولت علیه
 بر کاب استیلا آورده بودند لهذا در روز شنبه ۲۹ شهریور محرم الحرام حسب الامر اقدس جالیون
 شاهنشاهی عمده الامراء العظام محمد خان امیر تومان صاحب منصبانی که در شهر توقف داشتند کلاً
 در بالای رستم آباد در زیر قصر و عمارت سلطانی بناوران از هر فوجی دولت نفر سر باز و پادشاهی
 حاضر کرده سر بازان مقصر را حاضر نمودند و هر یک را از اخور تعصیر و انداره مجرمی که داشتند
 نظامی نمودند و تا زمانه زدند و هم در آن روز سه نفر از توپچیان را نیز که در ناموریت عربستان
 کرده بودند حاضر کرده در حضور کل صاحب منصبان قبیله نظامی نمودند و در روز یکشنبه غره شهر
 صف مقرب الخاقان امین لشکر عالیجاه جانمیر خان سرهنگ فوج نهبور را بحضور مهر ظهور جالیون
 مورد القات و عنایت طوکانه گردید (مقرب الخاقان حسنعلی خان سرشپ فوج گروه شش
 جزال اجودان خاصه حضور مبارک اقدس اعلی که پیشه در خدمات مقرر و آثار حسن کفایت و صدق
 ظاهر و باهر نموده این دفعه هم که از جانب سنی احوال جالیون نامور بغداد شده بود در مراسم
 و مراقبت را در انجام خدمت محوله بطور و طرز خوب ظهور آورده مورد الطاف خدیوانه آمد
 با عظامی پانصد تومان نقد برسم انعام قرین افتخار و مبالغات گردید) عالیجاه غرشت و جلالت
 مسره عبدالقدیبک یا در فوج گروه شش بر حسب تصدیق توابع شاهزاده والایا حاکم سلطنتی

۲۲۹۳

حسان و سایر سرد و سران قشون نظرمنون در اوقات تسخیر قلعه خوزیان و محاصره شهر هرات
 نمایان کرده علایم خلوص عقیدت و جوهر ذاتی خود را در وظایف جان نثاری و خدمتگذاری دولت
 علییه تقدیم رسانیده مشمول مرحمت شایسته آید سابقا با عطا ی نشان مرحمت آیت و شال ترمه
 برسم خلعت مرطوبت سرافراز گردیده این روزنامه بویست حبس خالواری کافی برسم مستمری برسد
 و بسای کت) (نظر بملاحظه خدمتگذاری و صداقت عالیجا به قریب بحضوره انخافانیه میرزا علی
 و ظهور مرحمت و عنایت طوکانه در باره او در این روزنامه بکتوب جنبه ترمه برسم خلعت از جانب
 سنی جوانب اقدس یون شاهنشاهی عالیجا به مشارالیه القای شد که سبب مزید مغفرت
 و مبالغت او بوده با کمال امیدواری مشغول خدمتگذاری شود) (نظر بخدمات عالیجا به میرزا
 لشکر نویس که در روز سان غلام شجیدت و غلام بطور خوب از غمده برآمده بود حسب الامر بکتوب
 جنبه کرمانی برسم خلعت با و مرحمت شد) (چندی قبل در نامه مراده قاسم طفل سیدی
 کاوشاخ زده شکم او را دریده بود بطوریکه روزه او مفتوق گردیده غالبان میرزا رضاقلی دوا
 که سابقا در نزد مرحوم میرزا بابای حکیم باشی بود در اینجا حضور بهم رسانده خواسته بود روزه مفتوق را
 بجای خود معادلت دهد بجهت ضیق مجرای جراحت انواع دانست لهند پوست شکم را که دریده بود
 بیشتر شکافه وسیع نمود و روزه مفتوق را بجای خود گذاشته بعد از آن جراحت را بنجیه نموده و
 لازمه بکار برده در عرض چند روز طفل مزبور صحت یافت و او را نیز در قریب انخافان حکیم بولاک حکیم
 خاصه سرکار اقدس یون شاهنشاهی برده محل جراحت را دریده و معالجه او را استحضار بهم
 میرزا رضاقلی را درین عمل تصدیق و تحسین نمود که خوب از غمده برآمده است و تصدیق نامه مهر کرد
 بود و لهند آنچه استهانت مشارالیه و استحضار سایرین این گزارش در روزنامه نوشته

۲۲۹۴

اعلانات

تجار تفصیل ذیل اسباب نقره از صنایع خوب ساخته لندن مال کارخانه اعلی فر و خنت می شود
 قاشق چای خوری ۱۸ عدد قاشق قهوه و شربت خوری ۱۸ عدد و کارد و چنگال و غیره چنانچه در
 اسباب نیز در یک صندوق سفری ساخته خوب ۶۷ عدد اسباب نقره نما ۳۷ عدد کارد و چنگال
 میوه خوری همه نقره در یک صندوق است ۳۶ عدد شمعدان نقره زوج شمعدان نقره نما و در
 شمعدان دستی عدد ادویه دان معشش شش عدد یک کلچ کبر و غیره ساعت طلا از کارخانه اعلی
 تازه رسیده و نگاه ساعت نقره کارخانه اعلی نگاه یک دست صورت کتی بسیار خوب برای سفر و

هم شکل آدم و هم تصویر عمارت و شهر گرفته میشود که او را پو تو کرا فیک مینامند کیدست صورتی
 با بروی تنگ نقش گرفته میشود که او را دیکر تایپ مینامند هر کس طالب خریدار این سیاهها
 باشد در قلنگ در نزد عالیجاه مانگی صاحب و در شهر در سری از منیهها نیز و ملازمت و لذت
 رفته خریداری نماید **سایر ولایات** (**آذربایجان**)
 از قرار نوشتجاتی که در بیت دویم محترم از تبریز نوشته بودند بجهت کمال فواد افغانی و از
 در آن ولایت حاصل است و بهر چیزی و فور دارد و خصوصاً غله که روز بروز ترخش در منزل است
 و در همه دکا کین جنابان نان فراوان است فقر و ضعف که سابقاً عبرت و شفقت نان است
 می آوردند بجهت حصول ارزانی درین اوقات کمال دعا گوئی و شکر گذاری را دارند (دیکر
 نوشته بودند که از غزه محرم الحرام الی پانزدهم ماه منور در تبریز چند دفعه زلزله شده
 در روز پانزدهم زلزله شدت کرد و بی خرابی رساند مگر در طسوج شدت کرده در درج
 خرابی کرده بقدر بیت نفر تلف شدند اما بعد از پانزدهم دیکر زلزله وقوع نیافت
 که انشاء الله تعالی از فضل الهی و برکت ائمه اطهار صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین رفع گردید
 و من بعد وقوع نیاید **اصفهان** از قرار یک در روزنامه اصفهان نوشته اند عالیجاه
 حاج میرزا حسین ممیزی که از جانب اولیای دولت علیه با مومنینی و باز دید و او را خالص
 بود بلوکات رومشین و بر آن وچی و کراج رفته با نهایت وقت و عوزری جمع هر جا را
 نموده است هر جا از آباد و خراب باز دیده کرده و صورت از ابد فر خانه مبارک سپرده و
 امانت و صداقت را در باز دید و ممیزی قرار فرموده بعل آورده بعد از فراغت از امور بلوکات
 فرموده و او ممیزی نظر شد و نواب مستطاب شاهزاده والا با رحمت الله و حکم ان اصفهان
 مقرر و استند که عالیجاه شاهزاده از تمام ممیزی نظر بحال اردستان برود و اختلافی
 که در امر مرعی فیما بین رعایا حاصل شده مرفوع نماید (دیکر نوشته اند که چند وقت قبل در خایه کفر
 سنجار عوسی بود چند نفر از نسوان که با پنجاه بودند حلی و زیور خود را بجا ریه داده بودند که محفوظ بدارد و جانی
 اسباب منور را که بقدر چهار صد تومان بود در اطاعتی گذاشته درش ز قفل نموده بود و ضعیفه رفته در آنجا
 اسباب منور را گرفته که ده بود در آنجا نواب شاهزاده سید و چند روز در آنجا غیره حسب حکم جمیع محلات را
 گردش کرده اثری از او نیافتند بعد از چند روز خبر رسید که ضعیفه رفته از شهر سر و ن رفته نواب شاهزاده سید
 فرستاده در کلایکان او را یافته اسباب منور را گرفته و بی خود ضعیفه از چنگ آن مادر فیه خود بر هم رانده است

۲۲۹۵

مرو حیدر از قراریکه در روزنامه بر وجه نوشته اند نواب مستطاب شاهزاده و امیر
 احتشام الدوله حکمران عربستان و لرستان و بروجرد و نجفبزاری که حسب الامر اولیای دولت
 مقرر بود از محل توقف حرکت نمایند در اواسط ذیحجه اسحرام از دزفول بآذربایجان و توشخانه
 حرکت نموده در بیست و هشتم ماه فروردین وارد تبریز گردیده بجهتی که اردوی نواب جلال الدین میرزا
 بود تزلزل نمودند و در منازل عرض راه تمام توشمالان و کده خدایان دسته بدسته از سلسله
 و لغات دستکوند و بیرانوند هر یک در محل خود لوازم استقبال را بجا آورده مورد التفات
 نواب معزی الیه گردیده معترض شده که مسرا با باشند تا در توقف هر دو با هم رخصت رسیدگی
 شود و بعد از ورود به تبریز و بکار هر طرفه علیحدگی رسیدگی نمودند و معترض شدند که نواب امیرزاده
 جلال الدین میرزا نایب الحکومه لرستان روانه خاوه و اشتر شوند که مالیات طوائف آنجا
 حواله و وصول نموده از آنجا بدربار عا یون شاهنشاهی روانه شوند و نواب احتشام الدوله در روز
 هجدهم بعضی اشخاص را که مصدر افتاد و بهر زکی و شرارت شده مقصد دیوان بودند گرفته بپوشانید
 تا بعد اجرای تنبیه و تادیب آنها شود و در اوقات توقف در عربستان امور انولاست را از
 هر باب و هر مواد انتظام کامل داده حکام و مباشرین آنجا را در سر مشعل و کارشان مستقل کرد
 و نواب امیرزاده امیرمیرزا را بجاگوست عربستان بفرستاده و دستور العمل منوای
 داده اند که امور انولاست را بر حسب درخواه تنظیم در عایار امر و بحال و اسوده خاطر داده باشند
 (دیگر نوشته اند که فوج ناصریه که مأمور لرستان بودند در سیم ماه محرم با شکوه و آراستگی
 وارد شدند و بیک روز توقف کرده نواب احتشام الدوله بمیان فوج مزبور آمده صاحب مضان
 احاد و افراد آنها را نوازشت نموده و در روز پنجم محرم اسحرام بانواب جلال الدین میرزا نایب الحکومه
 لرستان حسب حکم روانه اشتر گردیدند و عالیجاه محمد کاظم خان سردنک فوج مزبور
 از قراریکه نوشته اند فوج بسیار با نظم و قاعده حرکت داده و در منازل بروجرد و
 غیره با کمال معقولیت رفتار نموده و امانی آنجا را از حس سلوک عالیجاه مشارالیه بنامت
 رضامندی استهاند) (دیگر نوشته اند که فوج زرندی را نواب مستطاب امیرالدوله
 سان دیده و موافقتشان را تمام و کمال عاید نموده در دوازدهم ماه محرم اسحرام الحکومه
 معزی الیه مرخص خانه گردیده روانه امانکنه او طمان خویشند که در خانه های خود اسوده باشند
 تا وقتی که مأمور شوند

۲۲۹۱

۵

قسم از قرار یک در روزنامه قم نوشته اند امور انولایت ازین توجهات اولیای دولت
 قاهره حسن اتهامات مقرب انخاقان ذوالفقار خان حاکم قم و ساد و در کمال اقیانوس
 و نور نعمت و ارزانی حاصل و فضلا و سادات و اعیان و اشرف و رعایا و برابرا اسود
 خاطر و مرهنگ حال بدعا کوفی دانت اقدس بهال شاهنشاهی خلد اند ملک و سلطان اشتغال در
 و مقرب انخاقان مشارایه تمامی اوقات خود را شب و روز صرف انجام خدمات
 دیوانی و عرض و داد رعایا میدارد و در امور بنیادها و تعمیرات نهایت اهتمام را بعمل می آورد
 و نیز در نظم شهر و محلات کارگذاران و مباشرین مستحقین موجب قدغنهای اکیده نماند
 دارند و از احدی خلاف حساب ناشی و صادر نمیشود و کسی نسبت بدیکری تعدی نمی تواند
 و اگر بندرت سرفت پاشه ارتمی اتفاق میفتد و زد و شرب و سکر کرده و تنبیه و سب است
 (دیکر نوشته اند که چندی قبل ازین دو نفر عرب قرل رباطی به دولت عثمانیه را در سواد
 چند نفر قطاع الطریق برشان ریخته آنها را برهنه کرده بودند مشارالیهها در بار معدله از حال
 عارض شده تعلیه از جناب اشرف امجدار مع صد اعظم مجتبی بکنفر نایب فرانسخانه بعهده مقرب انخاقان
 ذوالفقار خان صادر شده بود که مال مسروقه حکما باید پیدا کرده بصاحب مال عاید سازد و بعد
 حصول آگاهی مقرب انخاقان مشارالیه آدم نسبت داده و اطراف فرستاده در مقام جستجو
 در بین تفحص بکیرس دیان و بکیرس الایع از اموال مسروقه در شهر قم در دست دو نفر
 دیدند آنها را گرفته نزد مقرب انخاقان مشارالیه آوردند و از آن دو نفر تحقیق مراتب شده
 معلوم گردید که دزدان ده نفر اسد آبادی بوده اند و همه بشهر قسم آمده بودند بعد از دستگیر
 این دو نفر هشت نفر دیگر معقود الاثر شدند چند نفر سوار بطلب آنها با طرف فرستاده
 ولی خبری از آنها معلوم نکردید کویا از بیرابه بولایت خود رفته بودند یا بجای دیان و الاغ
 مجتبی منور داده قبض از او دریافت و دو نفر سارق رحیمس نمود و سیاه اموال مسروقه و سایر
 دزدان را از آن دو نفر سارق گرفته باسم و رسم بجایگاه خانبا با خان حاکم اسد آباد
 نوشت که دزدان و اموال مسروقه را بشخصه بچینند گرفته تقیم نفرستند که بعضی اموال دیکر نیز در
 ساد و مرده اند از آنها مطالبه شود صاحبان مال را با مجتبی دیوان دادگی از خود سببه انجام
 مراتب مسطوره باسد آباد روانه نمود که بقیه اموال مسروقه را با دزدان گرفته بیاورند
 هنوز خبری از آنها نرسیده است

۲۲۹۷

اخبار دول خارجه

بقراریکه در روزنامه جدیدة الحوادث اسلامبول نوشته اند بجهت مسایل معلومه چین بقادر روزنامه
می نوشتند که از جانب دولت فرانسه سفاین حربیه بجهت امداد و معاونت دولت انگلیس چین
فرستاده شده است از فرار روزنامه که این اوقات رسید این کیفیت اصلاحت نوشته است بلکه
امپراطور فرانسه هیچ درین خیال نبوده است و مطلقا کشتی جنگی دولت فرانسه با تصفیات گرفته
(دیگر نوشته اند که در ۴ ذیقعد در شهر جنوه ارباب عصبان دوباره رفع لوای یا عینکی نمود
شبانہ مستحق بعضی بروج را ضبط کرده و بدنه شهر هجوم آورده بودند حکومت آنجا خبردار و
فی الحال عساکر برابر مقابل آنها فرستاده طرفین محاربه در پیوستند و چند ساعت جنگ طول
از هر دو طرف خیلی کشته و زخمی شدند عاقبت آثار ضعف و فتور در طرف باغبان ظاهر گردیده
متفرق شدند ولی کسی از آنها زنده و سقیم نماند) (چنانچه در روزنامه های سابق نوشته
شده بود از مشاییر شعری فرانسه بر اثره نام فوت شده امانی پاریس بسیار اظهار حزن
و غم کرده اند و برای مصارف جنازه او از جانب اعلیحضرت امپراطور فرانسه خیلی وجه
شده چون متوفای مشاییر شعری است که بعد خود یک مقدمین شعری فرانسه هم بجهت
کمال قدرت رجحان داشت امانی پاریس خصوصا اعلیحضرت امپراطور از فوت او زیاده طول
مشاور شد بجهت بقای نام او و آنکه را که مسکن او بود حسب حکم اعلیحضرت امپراطور فرانسه با
او موسوم نموده محله بر اثره نامیدند و نیز حکم نمودند که صورت او را رسم کرده در دایره امپراطوری
خود نصب نمایند) (قرال دولت یونان اولادی که بولجیدی خود نصب نماید ندارد و برادرش
که قرال با ویراست خود و عیال و اولادش در مذنب کتولیک عبوی هستند و تغییر مذنب
و ادشان غیر محتمل است و با قضای قوانین موضوعه یونانستان هر کس بعد از قرال یونان
بقرائت یونان بنشیند باید مذنب روم باشد بخصوص این مقدمه برای تکلیف تبدیل مذنب درین
اوقات زوج قرال یونان از راه وینه عنیت ملاقات برادرش را که قرال قراند و اولادش
نموده که قرال مشاییر مذنب روم را اختیار و بولجیدی قرال یونان برار شود) (عمر
اعلیحضرت امپراطور فرانسه بلندن در روزنامه های سابقه نوشته شده بود بموجب اخباری
در این اوقات بواسطه سیم تلغراف باسلامبول رسیده است چونکه اعلیحضرت پادشاه
بجهت تبدیل آب و هوامقدما بجل استوخ نام که در جزیره ویط واقع است رفت بود اعلیحضرت امپراطور

۲۲۹۸

نیز در شهر دبی محل مزبور رفته در وقتی که سر وکیل دولت انگلیس و وزیر امور خارجه دولت مزبور حضور
 داشتند با پادشاه انگلیس ملاقات نموده اند (جناب قوت مند و وزیر امور خارجه سابق دولت
 روس با موریت خفه از جانب دولت مزبور پاریس غنیمت کرده بود در این اوقات وارد پاریس
 گردیده است) (اعلیحضرت امیرالطور روس غنیمتشان از آب کرم المانیا نسبت به روس حجه
 ملاقات اعلیحضرت فرال پرستیه در روزنامه های سابق نوشته شده بود بموجب روزنامه
 که این اوقات رسیده در پنجم ماه ذیحجه برلین پای تخت دولت پرستیه وارد شده اند و
 تبریک قدم ایشان از جانب فرال دولت پرستیه در هفتم ماه مزبورش با زنی سکیس اجرا شده است
 (در حجه ملاقات دور باره با اعلیحضرت امیرالطور فرستاده در این اوقات فرال در تبریز بمحل
 بیارچ نام که در سواحل فرانسه واقع است غنیمت نموده است که از آنجا پاریس برود) (تاکنون
 عساکری که از جانب دولت انگلیس در کشتیهای تجاری بمنند وستان ارسال می شد هرگز
 چهل و چهار لیرا که همیشه قریب بعد تومان پول این ولایت باشد از جانب دولت انگلیس گرایه بصاحبان
 کشتی داده می شد در این اوقات حجه احوال حاضره مندا این گرایه ترقی کرده است و هر نفری پنج
 لیرا که قریب بعد و چهل تومان باشد رسیده است) (دو فرقه قشون انگلیس که نسبت به
 ارسال شده و در روزنامه سابق نوشته شد که حجه احوال حاضره مندا یکفرقه آن قشون نسبت
 مندا بر گردانند بموجب روزنامه بعد چون احتمال مندا وستان غلیظ شد فرقه دیگر آن قشون را
 نسبت مندا وستان بر گردانند) (در جزایر تنبلی که در زیر اداره دولت فلنک است چند
 جزیره جمع و مشرای اسرا معمول و مجری است حجه رفع و ازاله آن از جانب دولت مزبور و از طرف
 فلورین که هفت کرد و پول این ولایت باشد تخصیص یافته است که بقیمت اسیران داده در دست کشت
 اسیر باشد بخزند) (دولت بلجیقا مقدما مبنی بر بعضی سبب مقتضیات از کثیر قوه سجزیه خود صرف نظر
 نموده بود چنانچه دولت پرورس نیز حجه عدم لزوم ساختن کشتی جنگی را موقوف کرده بود و بعد
 کیفیت در مجلس پارلمنت بلجیقا تاکنون جنبی گفتگو شده در این اوقات با کثرت آرا قرار شده است
 که بعد ازین دولت مشا را لیه به کثیر قوه سجزیه خود اقدام نماید) (از جانب حکومت میان که
 حجه شرقی چین واقع است تاکنون بفرنگستان و سایر ولایات اصلا سفیره با ثور قرار ندادند
 شود در این اوقات فرستادن سفرا و مأمورین به ول فرنگستان و غیره از جانب
 حکومت مزبور مقرر گردیده است

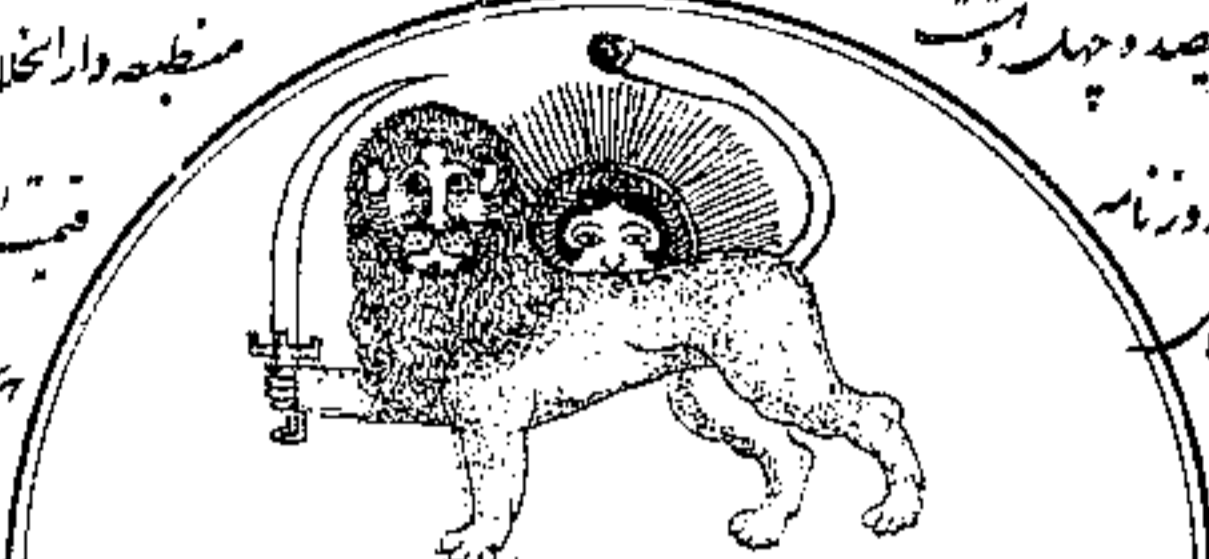
۲۲۹۹

در کتبهای دولتی بطرز بویغ اطفال فقرا و اصناف را داخل میکردند فقط اطفال و کلا و مأمورین
 در آن کتبها تحصیل نمودند بجهت تعبیر این قاعده سابقاً از جانب مالی استدا عا شده بود که اطفال
 فقرا نیز اذن تحصیل در کتبهای دولتی داشته باشند این استدا عا در حضرت امیر اطور سابق روس
 موقع قبول بنا قده بود درین اوقات علیحضرت امیر اطور روس درین خصوص قانون قدیم را منسوخ
 داشتند و اذن عمومی داده اند که اطفال فقرا و اصناف نیز داخل کتبهای دولتی شده تحصیل علوم
 و فنون نمایند (بجهت اجاره دادن بقرا و مساکین از جانب علیحضرت امیر اطور سابقاً
 دو باب کار و انرا حکم شده بود که در پاریس ختم شود در این اوقات آن دو باب با نامیم
 و حجر نشان بگرایه داده شده حجره خالی نمائند لهذا مجدداً حکم نمودند که سه باب کار و انرای دیگر نیز
 بجهت فقرا ساخته شود) (تقریباً یک چند دفعه بیان شده بود مقدماً قومپانیه تشکیل یافت که از ابر
 ولایت انگلیس از درون بحر محیط الملتیک تا یکی دینا سیم مغراف کشیده شود در این اوقات
 اسباب آن از طرف دولت انگلیس و جمهوری سکی دینا فراسم آمده و بجهت وضع سیمها در محل خود
 از جانب جمهوری سکی دینا یک قطعه کشتی با آلات و ادوات این کار با انگلیس ارسال شده و از
 جانب دولت انگلیس نیز چند قطعه کشتی بجهت این کار تخصیص یافته است و نیز سابقاً نوشته بود
 که از اسکندرون برای اسکندریه تا مالطه از جانب دولت انگلیس و از بصره تا هندوستان از
 جانب قومپانیه مقرر شده بود که سیم مغراف کشیده شود و اسباب آن را در لندن
 فراسم می آوردند در این اوقات بعضی از اسباب آن صورت انجام یافته و بجهت وضع سیمها
 از جانب دولت انگلیس با اسکندرون ارسال گردیده است و سوای اینهم از جانب دولت انگلیس
 بجهت برخوردن بجزیره سچیدیا تا مالطه یک اه مغراف نیز مقرر شده است که سیم کشیده شود) (بجهت
 در بطرز بویغ از سفاین بشار خارج شخصی با یک کشتیان روسیه بیک سبب جزئی نزاع کرده بود
 و این نزاع رفته رفته کسب غلظت و حتمت نموده اهل چهل و یک کشتی تجاری خارجی با کشتیهای تجاری
 روسیه محاربه نموده و از طرفین جنلی تلف و مخرج شده اند بجهت اجرای محاکمه آنها از جانب دولت
 روس امر بتوقیف کل کشتیهای تجاری خارجی گردیده است) (شهر و پانچ ستریه بالذات
 از بلاد خار است درین سال که در شهر بوزیا شدت کرده چنی امکان تاثیر آفتاب از شخصی که در کوه را
 سیر قندینخ نفر یکبار افتاده و تلف شده چون وقوع این گونه هلاکت در آن ولایت نامسبوق بود لهذا
 آن چ نفر از بجهت شرح بکتاب طبیبه بردند

۲۳۰۰

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه ۲۲ شهریور ۱۲۷۲

نزد سید و چند دوست
 قیمت روزنامه
 پرتخده باشد



منطقه دارالخلافه طهران
 قیمت اعلام است
 بر طرره

اخبار و احداث ممالک محروسه پادشاهی

ارووی بهایون

در شب دوشنبه ششم ماه صفر المظفر که شب عید مولود مسعود اعلیحضرت قدس جانان
 شاهنشاهی اودام الله سلطنته بود حسب الامر اسباب جشن و تشریف در عمارت سلطانی نیادان
 در حضور مبارک فراهم آوردند بعضی از شاهزادگان عظام و سایر خواص و مقربان حضرت
 که درون سبقت سینه شرفیاب حضور بایون بودند شب را بعباس و مانی گذرانده فردای
 آن شب که روز عید مولود مسعود بود اعلیحضرت قدس جانان شاهنشاهی صیفت شوکه عن استیاهی
 در عمارت سلطانی نیادان باسلام عام داد و سفرای دول متحابه مقیمین دارالخلافه الباهر بقاعده
 مذاوله هر یک در ساعتی معینند با اجزای سفارت و با لباس رسمی برای تبریک عید مولود
 مسعود بایون شرفیاب حضور ملوکانه شده مورد تهنیتات و عواطف حسودانی گردیدند و تعالی
 اعیاد بزرگ انسانی دولت علیه و شاهزادگان عظام در روی نظام و سایر ارباب سلام از جوانان
 دستوفیان و غیره که در اردوی بهایون و سایر سیلقات شمیرانات و در دارالخلافه بودند
 اولاً در عمارت نیادان جناب جلالت ابشرف اجدار رفیعه صدر اعظم مختم جمع گشته
 هر یک از خدمت باجلالت مستفیض شدند مراسم عید مبارکی را بعلی آورده صرف شربت
 شیرینی در آن مجلس گردید و از جانب سنی ابجوانب سرکار اعلیحضرت قوی شوکت اقدس جانان
 اعلی بقراریکه در هر یک از اعیاد تمامی سال معمول است یکتوب خفته تر در خاص نماز ششم مرتبه
 از مجلس مبارک بجناب معظم الیه التقات شده بهان مجلس آوردند جناب معظم الیه لوازم

۲۳۰۱

احترام و اگر مخلص تالیون را از پیشواز و غیره بجل آورده زیب برودش خود نمودند حصاً
 مجلس همه مبارکباد گفتند بعد از صرف نهار سلام حضور اقدس تالیون اخبار شریف سلام
 شرفیاب گردیده هر یک در جای و مقام خود ایستاده اجرای شکر لوت و در سوگ تفریح معمول
 بعد از آن عالیجناب خطیب باشی ادا می خطبه طبع بنام نامی اقدس تالیون و اختتام بدعای تعالی
 عمر و دولت ابد مقرون نموده و عالیجناب میرزا محمد علیخان شمس الشرا قصبه عزرا که برشته تعلیم
 بود معروض میگاه تالیون داشته مورد تحسین و التفات گردید حضرت اقدس تالیون
 شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطان جناب شرف امجد ارفع صدر اعظم را مخاطب بخطبات محبت
 فرموده از خوبی هوا و اعیان ولایات و طرق و شوارع و ارزانی و فراوانی فرمایش و فصلی بر
 اظهار رضامندی زیاده و از غم که منصوره عمودا و از بعضی سران و صاحب مضبان خصوصاً
 فرمودند و تفریح معمول هر سال از جانب جناب شرف امجد ارفع صدر اعظم و سایر مقرران حضرت
 و دکلهای حکام ولایات سجد تبریک عید سعید تقدیم میگیس در حضور تالیون شده موقع قبول
 و استحضار یافته سلام عام منقضی گردید (از اتفاقات حسنه در تان سلام عید معروض میگای
 مبارک گردید که عمده الامراء العظام مقرب الخاقان جعفر قلیخان الیجانی پیکر یکی استر اباد که از
 رکاب مبارک مرخص و روانه استر اباد شده بود چون برای تأمین طرق و شوارع تیسر طوا
 ترکان را در نظر داشته با فوج و سواری که همراه داشت بانضمام سواره ایلشاد لولودینی
 فرسخ راه بطور ایستاد رفقه خود را با و بی جعفر نامی که مصدر شرارت و هرزگی بودند میرسانند
 بعضی وزو و جمیع آن خانوار را را بعضی نهب و غارت در آورده بعد ششصد نفر اسیر و دود
 نیزه سر با غنیمت و روان گرفته بر میگردد و منتهای جلالت و رشادت را بجل آورده اند
 (نظر بطور کفالت و کفالت امیر الامراء العظام محمد ناصر خان ایشیک قاسی باشی در نظم و
 سلام در روز عید سعید مولود بکتوب جبهه ترم مخصوصی بر رسم خلع در حق او رحمت و عنایت
 گردید) (چون نواب مستطاب هزاره و الاستبانتام الدوله خالد میرزا حکمران
 عربستان و لرستان و بروجرد و نخب تباری سواره اوقات در انجام خطات و عفت
 دیوانی و نظم ولایات و سرحدات ابوالجیمی خود و وصول ایصال بالیات خاطر اقدس تالیون
 شاهنشاهی و امنای دولت علیه را قرین رضامندی و خرسندی داشته مستوجب قبول
 مراسم ملوکانه آمد لهذا محض ظهور عنایت خسروانی در این اوقات کقطعه کل که مشکل بالاسر و

۲۳۰۲

کرمانشاهان

از قرار یک در روزنامه کرمانشاهان نوشته اند امور انولات احسن مراقبت و استیجاب
 شاهزاده اشتم و الایبار عمادالدوله حکمران کرمانشاهان قریب انتظام و انضباط است و در انجام
 خدمات و مهات دیوانی و عرایض رعایا و برابا رسیدگی کامل مینمایند و رعایا و برابا مزه بحال
 بدعای دوام دولت و شوکت ابد القاتل اشتغال دارند (دیگر نوشته اند که در ایام عاشورا
 بقدرسی یکجه تعزیه داری جناب سید الشهدا علیه الاف التحته و الشنا در کرمانشاهان
 شده و عموم اهل الولات طوازم تعزیه داری قیام و اقدام داشتند و نواب عمادالدوله بجهت حصول
 دعا کونی و جود فایض الحود بها بون شاهشاهی ایام و لیاالی عاشورا را اطعام فقرا و مساکین نمودند و
 مخصوصا شب عاشورا یکصد تومان بمصارف تکایا دادند و در حسیب تکایا بعد از قضای تعزیه
 صدای دعای وجود مبارک شاهشاهی و از دیاد دولت و شوکت مصون از تنهایی بلند می شنیدند
 (دیگر نوشته اند که نواب عمادالدوله فوج ملک نیاز خان سرمنگ کردند و باید ارالدوله کرمانشاهان
 خواسته عالیجناب امیرزاعلی اکبر شکر نویس و میرزا محمدخان غلام شیخ مت سنان آنها را بقت
 دیدند و هر روز در سپردن در وازه مشغول مشی میباشند و از جانب معلم و صاحب مضبان
 نهایت اهتمام در مشق و انتظام امر آنها بعمل می آید فوج زنگنه که فرادول شهر و روزها مشغول مشق
 بودند بعد از ورود فوج کردند حسب حکم نواب شاهزاده عمادالدوله مرضی گردیده با بکن
 و اوطان خود رفتند و بجهت فرادول در رب خانه دو دسته از فوج مقرب الخاقان اسد الله
 سرتیب شهر آمده بخدمت فرادولی معین گردیدند) (دیگر نوشته اند که جناب آقا سید احمد
 و که که مدت یکماه بود در دارالدوله کرمانشاهان توقف داشت در بیت و بچشم محرم الحرام نواب
 عمادالدوله او را مرضی نمودند که رفته سواره نامحلی ابو جمعی خود را حاضر کرده آورده و در کرمانشاهان
 سان به مدت پنجدهتی که مأمور شوند اقدام نمایند و هم چنین مقرب الخاقان اسد الله خان سرسپه
 مدت یکماه در دارالدوله توقف بود در بیت و یکم ماه محرم حسب حکم نواب عمادالدوله مأمور
 نواب گردید که مراقبت عبور و مرور زوار و قافل را نموده در حفظ و حراست طرق و شوارع آن
 سرحد لازم است تمام را بجل بیاورد) (دیگر بجهت اجناس دارالدوله کرمانشاهان را از قرار یک
 نوشته اند که مخرج داری شش هزار دینار و جو خرد داری پنجاه دینار و نان یکمن و شایه نیم
 در دین یکمن دور بال و کورشت یکمن بخصه دینار و برنج یکمن ده شاهی و بر اجناس نیز برین مصلحت

۲۳۰۴

مازندران

از قراریکه در روزنامه مازندران نوشته اند از حسن توجهات اولیای دولت قاهره امرو
 الولايت قرین انتظام کامل و کمال اہمیت و آسودگی برای رعایا و برابری از هر حدیث حاصل
 هرگونه نعمت نهایت و فوز را دارد تعمیر اجناس گولت و غیره را از قراریکه نوشته اند
 کند کم کچر و اربو قرار مازندان شست هزار دینار جو یکچ و اربو چهار هزار و دویست شاهی شلوک یکچ و ا
 شش هزار و دویست شاهی بیسج سه من تبریر یکچ و اربو دینار کوشت یکمن دو عباسی نان یکمن ده شاهی
 روغن یکمن چهار هزار و دویست شاهی شکر یکمن هزار دینار اربو شش یکمن تومان سایر اجناس نیز با
 منظمه سعادت اگر چه نسبت سابق بعضی اجناس بجز بهم رسانده است ولی دوز
 وارد) (دیگر نوشته اند در باب تعمیر خیابان که حسب الامر اولیای دولت غلبه معترض شده بود
 که ساخته و تعمیر شود که عابرین در مسافت و صعوبت نباشند مقرب الخاقان محمد حسن خان
 وزیر در چهار دهم ماه محرم الحرام با اتفاق عالیجان حاجی مصطفی خان و میرزا مسیح غایت
 مجال سواد کوه نموده همان راه را ملاحظه و رسیدگی کرده بود و آن هر محل قدغن نمود که هر کس
 سامان و رسد خود را تعمیر نماید و آدم کاشت که اتهام نموده بزودی و استحکام با تمام رسد
 و هم چنین در باب انتظام کارخانه شکر ریزی از جانب نوآبادیای شاهی از اربو لطف
 حکمران مازندران و مقرب الخاقان محمد حسن خان وزیر کمال مراقبت و اهتمام بعمل می آید و
 یعقوب باشا کارخانه مزبور را آنچه بایحتاج و لوازم کارخانه که اتفاق می افتد بعضی اطهار برادر
 و انجام داده و بیچوچه او را معطل نیک دارند و کارخانه مزبور خوب دایر شده و عمل جاست انجام
 همیشه در کارند و قسم چنین کار و انصرافی شاهی که بسبب بی عتنائی حکام سلف خراب
 و بد و غیر مسکون و بایر شده از کار افتاده بود مقرب الخاقان محمد حسن خان در تعمیر و
 آبادی آن لازم اهتمام را بعمل آورده در این اوقات چند حجره آن تمام گردیده و سوال پو
 شده سایر حجره است دیگر انهم فریب با تمام است و این روزها در کمال استحکام با انجام
 اتمام رسیده دایر خواهد گردید) (دیگر نوشته اند که امسال محرم را در ساری تهر از
 سالهای دیگر آیام عاشوراء لوازم تعزیه داری جناب سید الشهدا علیه الاف التحية والثناء
 آوردند و بجهت حصول دعا کوفی ذات اقدس علایون شاه شاهی خلد الله ملک و سلطانه الطعام
 فقر و مساکین و یوسف تعزیه داران از جانب نوآبادیای شاهی بعمل آید

در روزنامه

۲۳۰۵

الحمد لله

اخبار دول خارجه

غریب علیحضرت امپراطور فرانس بازوج خود بجزیره و بطبعه ملاقات علیحضرت پادشاه انگلیس
روزنامه های سابق نوشته شده بود بموجب روزنامه که در ششم محرم نوشته بود در شانزده
ماه دیحج سوای آن کشتی که علیحضرت امپراطور سوار بودند کشتی دیگری نیز در معیت ایشان وارد خزره
مربو گردیدند از جانب علیحضرت پادشاه انگلیس لوازم استقبالیه بعمل آمده بوقت قطعی کشتی
استقبال فرستاده و بجهت احترام علیحضرت امپراطور فرانس صد و یک تیر توب شلیک گردید
و از لنگرگاه استقبال نموده انبث مخصوصا جشنی سکین که مهانی بال مینامند نمودند و غریب
امپراطور فرانس محض استحکام مبنای محادنت دوستی با ملکه انگلیس است بموجب روزنامه
دیگر که نوشته بودند علیحضرت امپراطور وقت روز در جزیره مربو بوقت غمزه بعد از آن بر
پاریس کرده اند و نیز نوشته اند که علیحضرت امپراطور فرانس علیحضرت پادشاه انگلیس را
باشوهرش پرنس البرط پاریس دعوت کرده اند و بجهت احترام ملکه در نزدیکی پاریس در محل
از عمارت موجوده فرانس پنجاه هزار قشون جمع کرده جرای تعلیمات و شلیک خواهند نمود و
ملکه نیز دعوت ایشان را قبول کرده پاریس خواهند رفت (دیگر بموجب خبری که از سیم
معارف باسلامبول رسیده بوده است جناب لار پارلمنتن صدر اعظم دولت انگلیس
سبب ملاقات علیحضرت امپراطور فرانس با پادشاه انگلیس را و اینکه مابین دولتین باعث
تائید مبنای و داد و مخاضات است بیان نموده ولی افادات و تلغحات واقعه هنوز معلوم
(دولت اسپانیول قشون دائمی که در زیر سلاح حرب دارمشتاد هزار است بجهت اختلال
که در آنولایت روی داده و در روزنامهها نوشته شد این اوقات اراده کرده است که
هزار قشون دیگر علاوه نماید که کلا یکصد و بیست هزار قشون همیشه در زیر سلاح حرب باشد) (دولت
انگلیس که موجوده خود را بعضی چین و بعضی هندوستان و بعضی برتس امید و محال سایر
فرستاده اند و بجهت شدت اختلال هندو چین باز هم قشون با بجا فرستادن از جمله فرستادن
و بجای آنها گرفتن قشون جدید در خود ولایت انگلیس لازم است لهذا بجای عساکری که هند
شده بمشتاد هزار قشون ملتی منظور شده است که گرفته شود از جانب وکلای انگلیس در مجلس
انظار این مطلب شده و بعد از فیروقال بسیار بنا بر اکثریت آراء در گرفتن این قشون جدید
موافقت گردیده است) (این اوقات فرانس با دیدیه بجهت تصحیح نظامات کلیه محال زیر حکومت خود

۲۳۰۹

امالی چین مهارت و در ایشان در هر چیز مستلماً ولی در استعمال توپ و تفنگ مستوحیان بود
 که ربط و مهارت کامل ندارند در این اوقات از قرار تحریرات رستیه فرماندهان کشتیهای جنگی
 دولت انگلیس در چین امالی چین درین فن نیز مهارت کامل کسب کرده اند اگر چه تویشان قرار
 نشان و منزل و میدان ندارند ولی هر وقت که کشتیهای جنگی انگلیس نزد یک کشتی می رسد
 باران کلوله کشتیها می بخندند (در این اوقات بموجب اعلانی که از جانب وکالت عمومی
 فرانسه نشر شده است بیشتر کارخانهای روزنامه روز بروز و بعضی بقیه بهنگامه و بعضی ده روز
 یکبار روزنامه میزنند و مجموع این روزنامهها بیکبار و نود و هفت نسخه رسیده است و این
 روزنامهها در هزار وسی و هفت کارخانه انطباع می یابند) ممالک سودان سخته ای که هر طرفش
 منبع تجارت و منفعت است با ممالک مغرب و تجارت و با امالی آنجا آمیزش نمودن نیست که
 منظور دولت انگلیس است و سخته از قوه بعضی آوردن این کار تاکنون از جانب دولت انگلیس
 از راه طرابلس عرب و مصر و فاس و تونس با آنجا چند دفعه مأمورین مستعد فرستاده شده
 حتی یک دفعه سخته حکمدار سودان بعضی بدایای لغیه مصحوب یک سفیری که بیت و خیمه همراه داشت
 فرستاده شده چون آنجا وسط قطعه افریقیه است زیاده از حد بلکه بدیجه که تحمل نمیتوان کرد
 گزاشته و در این مأمورین که با آنجا بدفیات رفقه اند اکثرشان در آنجا تلف شده اند از
 پنجاه نفر بکتر اگر معاودت کرده باشند نظر با آنجا در آنجا تا وسیع دایره تجارت دادن
 از برای امالی فرنگستان از حیث امکان بیرون است و تجارت با اولایات معوق مانده
 در این اوقات فکر کردند از نهری که از میان سودان میگذرد و به بحر محیط اهلنیک میریزد
 کشتی با اولایات فرستادن سهله و سخته خواهد بود سخته این کار مخصوصاً یک کشتی بخار کوچک سخته
 و چون پنجاه نفر در آن کشتی گذاشته با اولایات فرستادند در این اوقات کشتی مزبور معاودت
 کرده در مدت دولت و بیت و پنجاهت از انگلیس با آنجا رفقه است و تردد درین نهرها را بهای
 دیگر فرسخ فرسخ تفاوت دارد و سهله عبور و مرور میشود و نیز آنطور که از آن راهها از پنجاه نفر بکتر
 برمی کشت اشخاصی که ازین نهر رفقه اند تاکنون نصفشان از فرار خبری که بقبودان کشتیها رسیده است
 تلف شده اند در حال از جانب دولت انگلیس دو قطعه کشتی بخار دیگر حکم شد ساخته شود و سخته
 نهر مزبور و برای تحقیق و نقلش احوال سودان بعضی مأمورین از دولت انگلیس فرار شده است که
 در کشتیهای مزبور با اولایات بردند

در این اوقات یک کشتی تجارقی فرانس از زیر سبت مارسیلیا حرکت کرده بود در این کشتی
 راه در فراخای ماطه از دور سیاهی در روی آب دیده بود کشتی را با نظر فربده دیده بود در
 غرق شده و شخصی خود را بان کوش زورق که از آب بیرون است است فی الحال
 زورقی پانین آورده و مشارالیه را کثوره بکشتی در آوردند بعد از آنکه بحال و شعور آمد از او تحقیق
 نمودند معلوم شد که مشارالیه با سه برادر خود سخته ماهی گیری زورق سوار شده از ماطه
 بفرانهای دریارفته بودند درین بین در ماطه فانی شده زورق را بموجهای پی در پی گرفته با
 کرده بود و مشارالیه هر طور بوده است خود را بکوشه زورق بسبب سلامت مانده بود و برادرانش
 غرق شده بودند یا بکله او را با ماطه فرستادند در وقتی که عیال او سیاه پوش شده تغیر اوزار
 داشتند وارد خانه خود کردند (در شهر وارشمه که در استان واقع و در زیر حکومت دولت
 روس است) که در آن مکتب طبیئه آنجا مبنی بر بعضی اسباب متفرق شده بودند و از انوقت
 تا حال چند سال است که تعطیل شده و دایریت در این اوقات بحسب استدعای امالی آنجا
 اعلیحضرت امپراطور روس حکم کرده است که مکتب طبیئه آنجا مفتوح و دایر شود (بجهت ترفیحه حال
 ستیاخان چنانچه اعلیحضرت امپراطور فرستاد سابقا حکم کرده بود که چند چاه در منازل و طرق
 صحرا بکنند که عا پرین از آب سنگستی نکشند در این اوقات نیز در سمت جزایر و بعضی صحرائ
 چول حکم کرده اند که بیت و چهار چاه دیگر حفرت نمایند) (در این اوقات یک نوع نعل سخته اسب
 غیره در لندن اختراع کرده اند که منج ندارد و مثل کفش قاطبه پای اسب را فرو میکشد سخته اسب
 سخات آن را مشاهده کرده اند در این اوقات در لندن از نعلهای سابق که با اسب و قاطر
 و غیره می بستند بکلی صرف نظر کرده و این نعلهای تازه را متداول نموده اند) (در ایلول اینده
 اعلیحضرت امپراطور روس در ضمن تداوی سجاهای آب گرم المانیا که در محل دیانام واقع است
 غنیمت کرده اند و محل مذکور چون بجد و فرانس نزدیک است سخته ملاقات با اعلیحضرت امپراطور
 روس اعلیحضرت امپراطور فرانس نیز غنیمتشان بان محل تصمیم یافته است) (در این اوقات
 از جانب قان چین اعلان نامه نشر شده است باین مضمون که چون عساکر انگلیس که در شان
 چین حرب بینمایند نظر بجا که موجوده چین از قبیل خبر نیات می باشند لهذا از سایر
 چین قشون باین جنگ خود استعفی شود فقط همان قشون ایالت کانتان کفایت جنگ

۲۴۰۸

با انگلیس را می کند